



Rereading the Meaning of the Quranic Phrase “Wa Dhannoun-a Idh Dhahab-a Mughādiban Fazann-a ’an Lan Naqdir-a ’Alayh...” and Criticizing its Interpretations

Majid Chehri¹ 

1. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Kermanshah Faculty of Quranic Sciences, University of Sciences and Studies of the Holy Quran, Qom, Iran. Email: chehri@quran.ac.ir

Abstract

Examining and criticizing interpretations of the Holy Quran is an undeniable necessity and a step towards understanding the serious meaning of God Almighty in the Holy Quran. Narrating the story of Prophet Yunus (AS) is one of the Quranic stories about which commentators have given different interpretations. The main issue of this research is to examine and criticize the interpretations of verses 87 and 88 of Surah 'Anbīyā' with emphasis on the phrase "Wa Dhannoun-a Idh Dhahab-a Mughādiban Fazann-a 'an Lan Naqdir-a 'Alayh..." and to propose a new approach to these verses. Since the research has no background, it tries to achieve a completely new reading of the verse by using the basis of infallibility of the prophets, context, semantics of words and the semantic network of the verse, using a descriptive-analytical method. The obtained results show that Yunus (as) did not commit any sin or abandonment, and based on the rule of the relevant context, God Almighty saved him from the sadness that he suffered. Also, according to the rules of semantics, the exclusive use of the word "dhan" in the meaning of doubt or suspicion is not correct, rather when he was tested and afflicted by God, while being thrown into the sea by the passengers, his certainty and confidence in God did not overwhelm him in the heart of hardship and his faith has been commendable in paying attention to God.

Keywords: Verses 87 and 88 of Surah 'Anbīyā', Context, Prophet Yunus (as), Dh-a al-Noun, Infallibility of the Prophets.

Cite this article: Chehri, M. (2024). Rereading the Meaning of the Quranic Phrase “Wa Dhannoun-a Idh Dhahab-a Mughādiban Fazann-a ’an Lan Naqdir-a ’Alayh...” and Criticizing its Interpretations. *Quranic Researches and Tradition*, 57 (2), 267-282. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2024.370036.670287>



Article Type: Research Paper

Received: 1-Jan-2024

Received in revised form: 19-Apr-2024

Accepted: 29-Apr-2024

Published online: 18-Mar-2025

بازپژوهی مفهوم عبارت قرآنی «وَذَا التُّونِ إِذْ ذَّهَبَ مُعَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ...» و نقد برداشت‌های تفسیری از آن

مجید چهری^۱

۱. استادیار، گروه علوم و قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.
رایانامه: chehri@quran.ac.ir

چکیده

بررسی و نقد برداشت‌های تفسیری از قرآن کریم ضرورتی انکارناپذیر و حرکتی در جهت فهم مراد جدی خداوند متعال در قرآن کریم است. بیان سرگذشت حضرت یونس (ع) یکی از قصص قرآنی است که مفسران برداشت‌های تفسیری متفاوتی از آن به دست داده‌اند. مساله اصلی پژوهش حاضر بررسی و نقد برداشت‌های تفسیری در آیات ۸۷ و ۸۸ سوره انبیاء با تاکید بر عبارت «وَذَا التُّونِ إِذْ ذَّهَبَ مُعَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ...» و طرح رویکردی نوین به این آیات است. پژوهشی با این رویکرد فاقد پیشینه بوده و با روش توصیفی و تحلیلی خواهد کوشید با استفاده از مبنای عصمت انبیاء، سیاق، معناشناسی واژگان و شبکه معنایی آیه، به خوانشی کاملاً نوین از آیه دست یابد. نتایج به دست آمده چنین می‌نماید یونس (ع) دچار هیچ گناه یا ترک اولائی نشده و بر اساس قاعده سیاق مرتبط، خداوند متعال او را از غم و اندوهی که به آن مبتلا شده، نجات داده‌است. همچنان که بر اساس قواعد معناشناسی انحصار واژه ظن در معنی شک یا گمان صحیح نبوده و زمانی که مورد ابتلای الهی قرار گرفته، در حین انداخته شدن در دریا توسط سایر سرنشینان، یقین و اطمینان او به خداوند بر تنگ نگرفتن بر او در دل سختی‌ها و ایمان ستودنی در توجه به خداوند بوده‌است.

کلیدواژه‌ها: آیه ۸۷ و ۸۸ سوره انبیاء، سیاق، حضرت یونس (ع)، ذالتون، عصمت انبیاء.

استناد: چهری، مجید (۱۴۰۳). بازپژوهی مفهوم عبارت قرآنی «وَذَا التُّونِ إِذْ ذَّهَبَ مُعَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ...» و نقد برداشت‌های تفسیری از آن. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۷ (۲)، ۲۶۷-۲۸۲.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۳۱

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

© نویسندگان

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2024.370036.670287>



مقدمه

قصه‌های قرآن کریم حاکی از واقعیت‌های موجود در امت‌ها و جوامع پیشین است. بخش قابل توجهی از قصه‌های قرآن کریم مربوط به سرگذشت انبیای الهی است. حضرت یونس (ع) یکی از پیامبران الهی است که در چهار موضع از قرآن کریم، شامل آیات ۴۸-۵۰ سوره قلم، آیه ۹۸ سوره یونس، آیات ۸۸-۸۷ سوره انبیاء و آیات ۱۳۹-۱۴۸ سوره صافات به سرگذشت ایشان و قومشان اشاره شده است. همچنین در آیه ۸۶ سوره انعام و آیه ۱۶۳ سوره نساء به نام ایشان در زمره انبیاء اشاره شده و یک سوره از قرآن کریم نیز به نام ایشان نامگذاری شده است. بیان سرگذشت یونس (ع) و قوم او به صورت تمام‌نما و کامل در قرآن کریم نیامده و تنها به پرده‌هایی از این جریان پرداخته شده است. یکی از مهمترین این پردازش‌ها، اشاره به حضرت یونس در آیه ۸۷-۸۸ سوره انبیاء می‌باشد. بررسی ابعاد قصه در این آیات نشان از کثرت دیدگاه‌ها و تفاوت‌هایی در اندیشه‌های تفسیری دارد. این بررسی نشانگر اشتراک و اتفاق نظر اکثر دیدگاه‌ها در چند مساله شامل: الف: نسبت غضب کردن زود هنگام به حضرت یونس (ع) در رابطه با قوم خویش و ترک آنها، ب: بدگمانی به پروردگار، و ج: گرفتار شدن وی در شکم ماهی و ظلمات به عنوان تادیب الهی است.

پژوهشگر بر این باور است دیدگاه‌های تفسیری مرتبط در این مساله نیازمند بررسی و نقد، بازخوانی و بازنگری است. چرا که مواردی مانند: الف: تناقض ادعاهای مذکور با اصل اساسی عصمت انبیاء، ب: عدم توجه به مبنای اساسی سیاق آیات مرتبط در سوره انبیاء در برداشت‌های تفسیری، ج: عدم توجه به وجوه معنایی واژه «ظَنٌّ» و «نَقْدَرُ» و اکتفاء به ارائه معنای شایع از این دو واژه، د: همپوشانی قابل توجه دیدگاه‌های تفسیری با خوانش تورات از داستان حضرت یونس (ع)، مسائلی است که برداشت‌های تفسیری از آیات ۸۷-۸۸ سوره انبیاء را با ابهامات و چالش‌های جدی مواجه نموده است. به عنوان مثال اعتقاد به عصمت انبیاء از اصول اساسی شناخت رسالت پیامبران الهی بوده و وجود آن از ضروریات بعثت به شمار می‌آید، ائمه معصومین علیهم السلام بر این مساله تاکید ویژه‌ای دارند و در موارد متعددی به زدودن شبهات و پاسخ به سوالات مربوط به آن پرداخته‌اند. آنجا که امام رضا (ع) در پاسخ سوالی مربوط به عصمت انبیاء به لزوم عصمت انبیاء نظر داده‌اند: «... یا اِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ اَنْتَقُوْلُ بِعِصْمَةِ الْاَنْبِيَاءِ قَالَتْ نَعَمْ...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱: ۱۹۱-۲۰۴).

تلاش در ارائه فهم صحیح از معارف قرآن کریم و ارائه ترسیمی واقعی از چهره انبیاء و رسولان الهی، و همچنین نقد دیدگاه‌ها و روش‌های ناقص و ابهام‌زا در تفسیر آیات قرآن کریم، از ضرورت‌های انکار ناپذیر این پژوهش است. و به طور خاص، از آنجا که داستان حضرت یونس (ع) از جمله قصص مورد توجه اما مختصر در قرآن کریم بوده و ابهامات و شبهات اساسی و قابل توجهی پیرامون این قصه در اندیشه‌های تفسیری بوجود آمده، بررسی ابعاد این قصه و رفع شبهات و ابهامات موجود، ضروری

می‌نماید. از طرفی روش‌های تفسیر و برداشت از این قصه نیز قابل نقد و بررسی بوده و یک نقد روش‌شناسی نیز پیرامون این دیدگاه‌های تفسیری ضرورت دارد.

پیشینه پژوهش

در بررسی‌های انجام شده آنچه که به عنوان پیشینه پژوهش حاضر قابل بررسی باشد، تاکنون به انجام نرسیده‌است. اما پژوهش‌هایی به شرح ذیل در ارتباط با قصه حضرت یونس (ع) در قرآن کریم قابل معرفی است:

۱. پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان جایگاه تاریخی و الهیاتی حضرت یونس در قرآن کریم و کتاب مقدس، از بشیر حقیقی، دانشگاه مذاهب اسلامی سال ۱۳۹۵. که به مطالعه تطبیقی داستان حضرت یونس در قرآن کریم و کتاب مقدس پرداخته و نقاط اشتراک و افتراق داستان را در این دو منبع بررسی نموده‌است.

۲. مقاله شبهات درباره حضرت یونس در تفاسیر فریقین؛ پاسخ‌ها و رویکردها، از حسین کمالی زاده اردکانی و علی راد، در دوره ۲ شماره ۳ دوفصلنامه مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی در سال ۱۳۹۶، که به گونه‌شناسی شبهات مرتبط با داستان حضرت یونس (ع) و نوع و کیفیت پاسخ‌های ارائه شده در تفاسیر فریقین پرداخته‌است.

۳. مقاله رویکرد مفسران فریقین و شبهه قرآنی عصمت یونس (ع)؛ تحلیل، نقد انتخاب، از سعید عزیزی و علی راد، در مجله پژوهش‌های تفسیر تطبیقی دوره ۸ شماره ۱۵ سال ۱۴۰۱. که در این مقاله با رویکرد کلی به داستان حضرت یونس در قرآن کریم و بررسی شبهات مربوط به عصمت ایشان، به بررسی رویکرد مفسران امامیه و اهل سنت در پاسخ به شبهات مرتبط با این مساله پرداخته و ضمن این بررسی، پاسخ‌ها به شبهات را ارزیابی نموده و در نهایت بهترین پاسخ را ترک عمل افضل و اولی توسط حضرت یونس (ع) دانسته‌است.

۴. مقاله روایات تفاضل یونس و یحیی؛ تعارض و راهکارها، از علی راد در شماره ۷۶ دوره ۲۰ نشریه علوم حدیث، که به بررسی و نقد برداشت‌ها از برخی روایات مرتبط با شخصیت حضرت یونس (ع) و حضرت یحیی (ع) در مقایسه با حضرت محمد (ص) پرداخته‌است.

۵. مقاله سیمای حضرت یونس در قرآن و متون تفسیری و بازتاب آن در شعر فارسی از محمد خلیل پور و محمد امیر عیبی‌نیا در یازدهمین دوره همایش گردهمائی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران سال ۱۳۹۵.

۶. مقاله تحلیل ساختار روایت داستان یونس پیامبر در قرآن بر اساس نظریات ژرار ژنت، از لطیفه سلامت باویل، در نشریه پژوهشنامه قرآن و حدیث سال ۱۳۹۶ شماره ۲۰. که در این مقاله به نقد ادبی و روایت‌شناسی قصه پرداخته‌است.

۷. مقاله گناه منافی با عصمت انبیاء در داستان حضرت یونس از دیدگاه فریقین، از سمیرا امینی و محسن خوش فر، در ششمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران سال ۱۳۹۹، که در این مقاله به صورت کلی به داستان حضرت یونس (ع) در قرآن کریم پرداخته و به ترک اولی و نه گناه ایشان تصریح نموده است.

۸. مقاله بررسی شبهات پیرامون عصمت حضرت یونس ع، از مرضیه اکاتی و علیرضا حیدری نسب، در اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی سال ۱۳۹۳، که در این مقاله به صورت کلی و بر اساس قاعده عصمت انبیاء حضرت را منزله از گناه و خطا دانسته است.

۹. مقاله مطالعه خواص اعجاب انگیز برگ کدو با توجه به داستان حضرت یونس در قرآن مجید، از شقایق مرادی، جواد کریمی و فرزانه احمدی در دومین همایش ملی قرآن و علوم زیستی با محوریت غذای سالم در سال ۱۳۹۵.

همانگونه که ضمن یک بررسی تفصیلی از پیشینه پژوهش از نظر گذشت، در ارتباط با مساله پژوهش حاضر، تا کنون هیچ پژوهشی انجام نشده و محور مشترک پژوهش‌های فوق، تمایل به اثبات ترک اولای حضرت یونس (ع) و اثبات دیدگاه مشهور در این رابطه بوده است. پس بدین لحاظ پژوهش حاضر فاقد پیشینه و دارای نوآوری است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی خواهد کوشید به مساله اصلی پژوهش پاسخ گوید. بدین جهت ابتدا ضمن بیان ادبیات نظری پژوهش به بررسی مفاهیم عصمت انبیاء و واقع‌نمائی و هدف از بیان قصه در قرآن کریم خواهد پرداخت. سپس با طرح دیدگاه مشهور در قصه حضرت یونس (ع) منابع این دیدگاه را معرفی نموده و در گام بعدی به پردازش و تحلیل دیدگاه مشهور و بیان چند ایراد اساسی بر آن می‌پردازد و در نهایت با نقد دیدگاه مشهور و بیان نقائص آن، مساله پژوهش را پاسخ گفته و یافته‌ها و نتایج را بیان خواهد نمود.

۱. ادبیات نظری تحقیق

۱-۱. عصمت انبیاء

از مباحث مهم در رابطه با شناخت پیامبران و بیان ویژگی‌های آنان مساله عصمت است. از طرفی در بررسی و شناخت سیره و منش انبیاء در معارف دینی نیز از جانب مفسران و قرآن‌پژوهان با اعتقاد به عصمت انبیاء به فهم و برداشت تدبیری یا تفسیری از قرآن کریم پرداخته می‌شود. علماء در معرفی مقام عصمت آن را نوعی توفیق از جانب خداوند و یک حالت نفسانی دانسته که صاحبش را از انجام اعمال زشت، بد و اشتباه محافظت می‌کند (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۱: ۱۳۴). هر چند دانشمندان مسلمان در خصوص چگونگی و سطح و لایه‌های عصمت و همچنین معرفی مصادیق افراد دارای عصمت

اختلاف نظر دارند؛ اما مطابق عقاید امامیه، معصومین (ع) در گفتار، کردار و رفتار نه عمداً و نه سهواً اقدام به گناه کبیره و صغیره نمی‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۱: ۹۰-۸۹). امام علی بن موسی الرضا (ع) نیز در دو روایت نسبتاً طولانی در مجلس مامون به اثبات عصمت انبیاء و تنزیه ساحت این بزرگواران از هر گونه گناه پرداخته‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱: ۱۹۱-۲۰۴). همچنین شیعیان معتقدند که این معصومیت از بدو تولد تا هنگام وفات معصومین (ع) وجود دارد (همان، ۹۱). حضرت یونس (ع) از پیامبران الهی است که در قرآن کریم در شش موضع به ایشان اشاره شده است. پردازش‌های قصه ایشان در برخی آیات تلقی صدور گناه از ایشان و یا حداقل ترک اولی را در اکثر برداشت‌های تفسیری به دنبال داشته است. با اینکه قاعده عصمت اصلی اساسی در مساله نبوت است و مفسران نیز به نوعی کوشیده‌اند این ابهام تفسیری را برطرف نمایند، اما گونه‌شناسی تلاش‌ها و میزان موفقیت آنان قابل ارزیابی است (عزیزی و راد، ۱۴۰۱: ۲۵۱).

۲-۱. واقع‌نمایی و هدف از قصه در قرآن کریم

بیان قصه یکی از محورهای اصلی و تربیتی در معارف قرآن کریم است. بررسی‌ها حکایت از انطباق دقیق و خدشه ناپذیر قصص قرآن کریم با واقعیت‌های موجود و آثار به دست آمده تاریخی و باستان‌شناسی دارد. بدین جهت به راحتی نمی‌توان داستان‌هایی را که با واقعیت بیرونی انطباق دارد از باب تمثیل و غیر واقع‌نما دانسته و نیز برخی قصه‌های قرآنی که از جهت اثبات‌پذیری تجربی با موانعی روبروست را تمثیلی و غیر واقع‌نما معرفی نمود. می‌توان چنین گفت که یک مبنای اساسی در این مساله، واقع‌نما بودن قصص در قرآن کریم است. از طرفی بنا بر قاعده وجود غرض محوری در هر سوره، چنین به نظر می‌رسد هر قصه در یک سوره، نه تنها با هدف عبرت‌پذیری، بلکه با اهداف معین و در راستای تأمین غرض هر سوره و تحقق آن به کار گرفته شده است. البته طرح رویکردهای نوین در قصه‌پژوهی قرآنی مجال دیگری را می‌طلبد.

۲. طرح دیدگاه مشهور در قصه حضرت یونس (ع)

مطالعه سرگذشت و داستان حضرت یونس (ع) معمولاً بر اساس یک خوانش مشهور و شایع از داستان در منابع مرتبط است. دیدگاه مشهور وی را پیامبری مبعوث به نینوا (موصل کنونی) دانسته که پس از چندین سال دعوت قوم خود و ناامیدی از ایمان آوردنشان، آنها را ترک نموده و قوم در آستانه مشاهده عذاب، توبه نموده و عذاب از آنها برداشته شده است. همزمان حضرت یونس (ع) نیز که با ترک قوم سوار بر کشتی بوده و گرفتار طوفان یا یک نهنگ شده‌اند و با قرعه‌کشی اهالی کشتی، به قصد نجات کشتی و اهالی آن، یونس (ع) را به دریا انداخته و در معرض بلعیدن نهنگ نهاده‌اند. گرفتار شدن در شکم نهنگ، گرفتار شدن در بیابان و ... برای حضرت یونس در دیدگاه مشهور، نوعی تادیب الهی دانسته شده که در قبال عجله در ترک قوم و سوء ظن و یا تردید به خداوند رخ نموده است.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد چند منبع مهم و اساسی در بازخوانی قصه حضرت یونس (ع) در دسترس می‌باشد:

الف) قرآن کریم

مهم‌ترین و متقن‌ترین منبع این قصه، آیات مرتبط در قرآن کریم است. آنجا که در شش موضع به ذکر نام و برخی جوانب سرگذشت حضرت یونس (ع) اشاره شده است. این موارد عبارتند از: قلم: ۴۸-۵۰، یونس: ۹۸، انعام: ۸۶-۹۰، صافات: ۱۳۹-۱۴۸، انبیاء: ۸۷-۸۸، نساء: ۱۶۳. در سوره قلم ضمن ترسیم حالات تنهائی و احساس غربت یونس (ع) در شکم نهنگ، رسول اکرم (ص) را که در آغازین گام‌های بعثت در مکه است، از تشبیه به حالت یونس نبی نهی می‌کند. در سوره یونس ضمن یک آیه به برداشته شدن عذاب از قوم یونس (ع) اشاره شده است. در سوره انعام یونس (ع) را از پیامبران هدایت یافته دانسته و پیامبر اکرم (ص) را امر به اقتدای به این هدایت یافتگی نموده است. پردازش مهم و پرگستره قصه در سوره صافات است که به چند بخش از قصه، شامل فرار حضرت به سمت کشتی، افتادن قرعه به نام وی و گرفتار شدن به شکم نهنگ، نجات از شکم نهنگ و گرفتار شدن به بیابان، رسالت مجدد وی و سرگذشت قومش، اشاره نموده است. در سوره نساء تنها به ذکر نام ایشان در زمره انبیاء اشاره شده و در سوره انبیاء ضمن دو آیه به ابتلاء وی در شکم نهنگ و نجات وی بواسطه ایمانش به خداوند اشاره شده است. بررسی محتوایی آیات فوق نشان از پردازش مختصر و ناگفته‌های مهمی از ابعاد قصه یونس (ع) است.

ب) عهد قدیم

از دیگر منابع پردازش داستان یونس (ع) عهد قدیم است. قصه حضرت یونس (ع) از مشترکات قرآن و عهدین بوده و در عهدین یک بخش به عنوان کتاب یونس به آن اختصاص یافته است (کتاب مقدس، ۲۰۰۲: ۱۰۴۴-۱۰۴۴). در خوانش عهد قدیم خداوند یونس را به نینوی مبعوث نموده اما وی ضمن نافرمانی سوار بر کشتی شده به ترشیش فرار می‌کند. ظاهراً پیرو تادیب یونس کشتی گرفتار طوفان شده و جهت نجات سرنشینان و یافتن مقصر، قرعه به نام یونس می‌افتد و نمایان می‌شود که به سبب وی این گرفتاری بوجود آمده و یونس خود پیشنهاد می‌دهد که در دریا افکنده شود تا دریا ساکن شود. اما صاحبان کشتی سعی در رساندن کشتی به خشکی می‌نمایند و در نهایت با تلاطم بیش از حد دریا، با اکراه یونس را در دریا انداخته و دریا آرام می‌شود. نهنگ بزرگی به مدت یک روز و سه شب یونس را بلعیده و وی در شکم نهنگ دعا کرده و به پیشگاه خداوند تضرع می‌نماید و خداوند نیز ماهی را امر نموده تا یونس به خشکی قی کند. خداوند دوباره یونس را به نینوی مبعوث نموده و یونس نیز با گشتن در شهر آنان را از عذاب الهی ترسانده و همگی مردم با پادشاه شهر و ... به پیشگاه خداوند استغاثه و توبه می‌نمایند تا شاید عذاب الهی از آنها برداشته شود و چنین می‌شود.

نکته جالب پردازش قصه در کتاب یونس نبی، غضبناک شدن ایشان از برداشته شدن عذاب از اهل نینوی است. و ظاهراً یونس نبی گرفتار شدن خود در شکم نهنگ به سبب ترک رسالت را با عذاب نشدن اهالی نینوی مقایسه کرده و از خداوند تقاضای مرگ نموده است (کتاب مقدس، ۲۰۰۲: ۱۰۴۴-۱۰۴۶).

ج) روایات مرتبط با قصه

در منابع تفسیر روائی ذیل آیات مرتبط با حضرت یونس (ع) روایات متعددی وجود دارد. روایات موجود از چند بُعد قابل بررسی است. روایاتی که به اصل قصه و بیان بخش‌هایی از آن پرداخته‌اند. مثلاً در تفسیر فرات کوفی ابتلاءات یونس (ع) را به نقل از پیامبر اکرم (ص)، عدم اقرار به ولایت علی (ع) می‌داند (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ج ۱: ۲۶۴). همچنان که در روایتی پر تکرار در منابع حدیثی، که نمی‌توان آن را مقرون به دلائل صحت دانست، نهنگی که یونس را بلعیده است به سخن آمده و دلیل بلعیدن یونس را نپذیرفتن و انکار ولایت علی (ع) دانسته است (طبری املی، ۱۴۱۳ق: ۲۱۰-۲۱۲). در برخی از این روایات تادیب یونس را به این دلیل دانسته که خداوند لحظه‌ای او را به حال خود وا گذاشت (کافی، ۱۴۰۷ق: ج ۲: ۵۸۱؛ قمی، ۱۳۶۳: ج ۲: ۷۵). در بخشی از بررسی روائی شاهد همخوانی و شباهت فراوان چند روایت مرتبط با مباحث کتاب یونس بن متی در عهد قدیم هستیم (همان، ۱۳۶۳: ج ۱: ۳۱۸-۳۲۰). در جای دیگر نیز به نقل از رسول اکرم (ص)، یونس (ع) را شخصی کم‌صبر و مدارا و ناتوان در تحمل مسئولیت نبوت دانسته و در چند روایت نسبتاً طولانی به تبیین تمام زوایای قصه از جمله نحوه رفع عذاب از قوم یونس پرداخته شده است (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲: ۱۲۹-۱۳۷). این پردازش روائی اخیر می‌تواند یکی از منابع اصلی دیدگاه مشهور در داستان یونس نبی به شمار آید، که متعدها در دیدگاه‌های تفسیری بازتاب یافته است.

نکته جالب توجهی در الغیبه طوسی است، آنجا که چنین می‌آورد یونس از قوم خود فرار کرد و خداوند بنا بر مصلحتی وی را از قوم خود غایب و در شکم ماهی پنهان نمود و تا زمانی که شرایط حضورش در قوم مهیا نشد وی را به قوم خود بازگرداند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۱۰-۱۱۲).

بررسی روایتی مهم که چندان مورد توجه مفسران و محدثان قرار نگرفته است:

یکی از مهم‌ترین منابع در اثبات عصمت انبیاء، باب ذکر مجلس آخر للرضا (ع) عند المأمون فی عصمة الأنبياء (ع) در کتاب عیون اخبار الرضا (ع) است. در این بخش در روایتی نسبتاً طولانی امام رضا (ع) در پاسخ شبهه فردی در عصمت انبیاء می‌فرماید: «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ» فَقَالَ الرَّضَا عَ ذَا كَيْوُسُ بْنُ مَتَّى ع «ذَهَبَ مُغَاضِبًا» لِقَوْمِهِ «فَظَنَّ» بِمَعْنَى اسْتَيْقَنَ «أَنَّ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ» أَيْ لَنْ نُصَيِّقَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ وَ مِنْهُ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ «وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ» أَوْ [أَي] صَيِّقَ وَ قَتَرَ «فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ» أَيْ ظُلْمَةِ اللَّيْلِ وَ ظُلْمَةِ الْبَحْرِ وَ ظُلْمَةِ بَطْنِ الْحَوْتِ أَنْ «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» بِتَرْكِي مِثْلَ هَذِهِ الْعِبَادَةِ الَّتِي قَدْ فَرَّغْتَنِي لَهَا فِي بَطْنِ الْحَوْتِ

فَأَسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ «فَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلَّيْتُ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱: ۱۹۵-۲۰۴).

در این روایت مهم که بسیاری از محدثان و مفسران در پردازش قصه یونس (ع) به آن اشاره نموده‌اند، امام به یک مساله اساسی پرداخته و آن لزوم عصمت انبیاء و معصوم بودن حضرت یونس (ع) است. چرا که امام به دقت کلمه «ظَنُّ» را در آیه ۸۷، نه به معنای گمان؛ بلکه به معنی یقین گرفته و از سایر وجوه معنایی کلمه استفاده نموده است. و چنین می‌نماید که یونس نبی یقین داشت که خداوند متعال بر او تنگ نخواهد گرفت.

همچنین در این روایت نیز به توالی پرده‌های داستان اشاره نشده است. سوال اینجاست که یونس (ع) از چه کسی و یا از چه چیزی عصبانی شد؟ معمول مفسران و محدثان غضب وی را از ایمان نیاوردن قومش دانسته‌اند. در حالی که اینجا در توالی پرده‌های داستان حضرت یونس در داخل کشتی است. پس می‌توان این معنی از آیه را نیز محتمل دانست که چه بسا وی از اینکه خواستند او را در دریا بیندازند غضب کرده باشد و در عین این غضب به خدا اطمینان دارد که پشتیبان وی بوده و بر او تنگ نخواهد گرفت و پس از گرفتار شدن در ظلمات دریا و شکم نهنگ، خدا را ندا داده و خداوند هم این بنده مومن خود را از مشکلی که دچار آن بوده نجات داده است.

نکته دیگر از صحنه پردازی‌های قصه در سوره صافات است. سوره صافات گسترده‌ترین پردازش از قصه یونس (ع) را ارائه نموده است. آیات قرآن کریم در سوره صافات در ترسیم صحنه رفتن حضرت یونس از نزد قوم و رفتن به سوی کشتی از کلمه و عبارت «ابق الی الفلک» استفاده نموده است (صافات: ۱۴۰).

نکته بسیار مهم در این صحنه پردازی‌ها توسط مفسران و قرآن پژوهان، قرار دادن پرده ترسیم شده در آیه ۸۷ سوره انبیاء قبل از آیه ۱۴۰ در سوره صافات است. در حالی که بررسی ظاهر آیات قرآن کریم در سوره صافات چنین می‌نماید که یونس (ع) از قوم خود به هر دلیلی گریخته است.

د) دیدگاه‌های تفسیری

منبع دیدگاه‌های تفسیری، قرآن، عهد قدیم و روایات مرتبط بوده است. اما در موارد متعددی مفسران دست به برداشت تفسیری زده و قصه را مبسوط گزارش نموده‌اند. به گونه‌ای که به عنوان یک منبع بازگفت قصه می‌توان به آن نگریست. بخش مهمی از دیدگاه‌های تفسیری در تفاسیر اثری بیان شده که در قسمت منابع روائی مرتبط با قصه از نظر گذشت. اما در سایر منابع تفسیری، بررسی‌ها نشان می‌دهد عمده عملکرد مفسران اشاره به قصه ذیل آیات مرتبط بر اساس منابع روائی است. آنچه که مستقل و مفصل در این مساله آمده باشد، یکی از بهترین پردازش‌های تفسیری به قلم علامه طباطبائی در «المیزان» است. (طباطبائی، ۱۴۱۴: ج ۱۷: ۱۶۰-۱۷۰) همچنین محمد بیومی مهران در کتاب «دراسات تاریخیه من القرآن الکریم» به تفصیل به بیان این قصه پرداخته و محل

۳. پردازش و تحلیل دیدگاه مشهور و طرح چند ایراد اساسی

همانگونه که ملاحظه شد، دیدگاه مشهور مستند و برخاسته از چهار منبع اصلی، یعنی قرآن کریم، عهد قدیم، روایات و دیدگاه‌های تفسیری است. آنچه که در این بررسی می‌توان به دست داد، ابتدا پردازش و تحلیل دیدگاه مشهور و سپس طرح چند ایراد اساسی بر آن است. در پردازش و تحلیل منابع مذکور، قرآن کریم که بر اساس سبک خاص قصه‌گویی و ارائه مفاهیم، دارای ناگفته‌های بسیاری در قصه یونس (ع) است. حال یا به اقتضای سخن و یا به اقتضای هدف از طرح قصه. چنین می‌نماید یکی از بسترها و عوامل تکیه بر خوانش تورات از قصه یونس (ع)، همین کم‌گویی قصه یونس (ع) در قرآن کریم باشد. که محدثان و مفسران کوشیده‌اند این کم‌گویی‌ها را با روایات مرتبط و مباحث کتاب یونس نبی در عهد قدیم و تحلیل و گسترش برخی دیدگاه‌های تفسیری جبران نمایند.

نکته بسیار مهم در پردازش و گستره قصه در آیات مورد کاربرد در قرآن کریم، عدم توجه کافی مفسران و قرآن‌پژوهان به هندسه بکارگیری قصه در قرآن کریم است. فلسفه و هندسه بکارگیری قصه در سوره‌های قرآن کریم و نوع پردازش و گستره آن، هدفمند و کاملاً معنادار است. بررسی این هندسه معنادار چنین می‌نماید که در هر سوره و هر فرازی از قرآن کریم، هر بخش و هر بُعدی از یک قصه در راستای تأمین هدف سوره بکار رفته است. چنانکه بر اساس این هندسه معنادار، نمی‌توان برخلاف سیاق مجموعه آیات و غرض سوره، برداشتی دیگر از قصه داشت.

این نکته مهم، مبنائی اساسی در فهم قصص قرآنی به شمار می‌آید، که بررسی سه منبع عهد قدیم، روایات مرتبط و دیدگاه‌های تفسیری، نشان می‌دهد توجه چندانی به آن صورت نگرفته است. به عنوان مثال اگر مساله مورد کاوش این پژوهش، یعنی بازخوانی آیات ۸۷-۸۸ سوره انبیاء، در مدل هندسی و معناداری بکارگیری قصص در مدار غرض سوره و سیاق مجموعه آیات نگریسته شود، چنین می‌نماید که قصه یونس (ع) در ادامه و بخشی از شش قصه گفته شده در این بخش از سوره بوده، و نباید برداشتی ناهمسان از قصص مذکور، از آن اراده نمود. چرا که سیاق این مجموعه از آیات در مقام بیان لطف و عنایت خداوند متعال به تعدادی از پیامبران خود بوده که هر کدام به نوعی دچار ابتلاء شده و خداوند آنها را نجات داده است. و نه اینکه در سایر قصه‌ها، نجات را فهمید، و در قصه یونس (ع) ترک اولی و تأدیب را.

در ارتباط با کتاب یونس بن متی در عهد قدیم نیز، طی بررسی‌های موجود، عهد قدیم از اتقان کافی برخوردار نیست. چنانچه این منبع در طول تاریخ دستخوش تغییرات و تحریف‌های متعددی بوده است. چه اینکه در همین بخش موجود نیز تهمت‌های متعددی به ساحت حضرت یونس (ع) روا داشته شده است. همچنین در عهد قدیم رسالت ایشان را پس از گرفتار شدن به شکم نهنگ می‌داند.

در حالی که بر اساس تصریح آیات قرآن کریم و سیاق موجود در آیات مرتبط سوره انبیاء، یکی از شش پیامبری است که دچار ابتلاء شده و خداوند وی را به عنوان یکی از بندگان مومن و خاص خود نجات داده است (سیاق گسترده در آیات ۵۱-۹۰ سوره انبیاء).

نکته قابل توجه هماهنگی و هم‌پوشانی ابعاد قصه در روایات، عهد قدیم و دیدگاه مشهور تفسیری است. مسأله‌ای که پایه آن در پردازش مختصر و ناگفته‌های مهم قصه در آیات مرتبط قرآنی است. چرا که این خلأ باعث شده مفسران و محدثان، دانسته یا ندانسته، با مراجعه به عهد قدیم و چه بسا روایات ضعیف و اسرائیلی، پردازش قصه را گسترش داده و به بیان ابعاد نگفته آن در قرآن پرداخته باشند.

از لحاظ اعتبار و استناد، عهدین از مشکل اساسی برخوردارند. این ایراد اساسی ما را بر این می‌دارد که آنچه از روایات که با مطالب عهدین همخوانی داشته و از طرفی ریشه‌ای در معارف قرآنی ندارند را از حیث اعتبار ساقط بدانیم. محدثان و عموم مفسران اثری، معمولاً توجهی به این مسأله نداشته و از آنجا که برای دستیابی به فهم آیه مسیری جز روایت ندیده‌اند، صرفاً به نقل روایات پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد بتوان در موارد جدی‌ای، دلیل همخوانی این روایات با عهد قدیم را اسرائیلی بودن روایات یا بخشی از آنها دانست. بررسی‌ها نشان می‌دهد عمده روایات مرتبط با این داستان هماهنگ با خوانش عهدین از یونس (ع) است. این خوانش عهدینی بدون در نظر گرفتن پرده‌های داستان و توالی مراحل آن و بدون در نظر گرفتن مبانی‌ای مانند عصمت انبیاء به روایت قصه یونس پرداخته است. به گونه‌ای که یونس را پیامبری می‌داند که از امر رسالت الهی فرار کرده و مورد غضب خداوند قرار گرفته است.

دیدگاه‌های تفسیری نیز که به عنوان یک منبع فرعی در شناخت قصه می‌توانند به شمار آیند، ظاهراً شاکله و بنیان اصلی خود را از روایات مرتبط و عهد قدیم گرفته‌اند. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد مراجعه دقیق و نظام‌مندی به آیات قرآنی صورت نگرفته و معناشناسی علمی واژگان مرتبط و محوری در قصه را نیز مد نظر نداشته، و ضمن این کاستی‌ها، خود به ابهام‌زائی دامن زده‌اند تا ابهام‌زدائی.

شاید بتوان گفت مهم‌ترین و گسترده‌ترین منبع دیدگاه مشهور، روایات مرتبط با قصه باشند. همانگونه که از نظر گذشت، روایات متعددی در این مسأله وجود دارند. روایاتی که عمدتاً مفسران اکثر خالها و کم‌گویی‌های قرآن کریم در قصه را با این روایات جبران نموده‌اند. در بررسی اجمالی‌ای که از نظر گذشت، اکثر روایات متمرکز بر یک خوانش از قصه و عملکرد یونس نبی بوده و آن، ترک اولی و بی‌صبری و کم‌حوصلگی و ترک بی‌موقع قوم و چه بسا بدگمانی به خداوند می‌باشند. نکته‌ای که در این میان قابل توجه است، تفاوت جدی چند روایت مرتبط با مجموعه روایات دیدگاه مشهور است. بدین معنی که این روایت مهم منقول از امام رضا (ع) یونس نبی را معصوم دانسته و او را مرتکب هیچ‌گونه گناه یا ترک اولائی معرفی ننموده است. این روایت در کنار دیدگاه شیخ طوسی که یونس را در پرده غیبت از قوم دانسته که در زمان مناسب به سوی آنان بازگردانده شده است، نشانه‌هایی جدی و قابل توجه در امکان ایجاد تغییر رویکرد و ارائه خوانشی نوین از قصه به شمار می‌روند، که اگر بر اساس قواعدی مانند سیاق، توجه به توالی پرده‌های داستان، و بررسی وجوه معنایی برخی واژگان آیه بکارگرفته شوند،

یافته‌های نوینی را به دست خواهند داد. که در قسمت بعدی ضمن طرح چند ایراد اساسی به دیدگاه مشهور، خوانش نوین از آیه را بررسی خواهیم نمود. چنان که تاکنون این رویکرد نتوانسته است جایگاه محوری‌ای در طرح و خوانش قصه ایفاء نماید.

۴. یافته‌های پژوهش و طرح چند ایراد اساسی

بنابر آنچه که تاکنون از نظر گذشت دیدگاه مشهور به همراه منابع آن مورد پردازش و بررسی و تحلیل قرار گرفت. آنچه که در این بررسی می‌توان به دست داد، طرح چند ایراد اساسی بر دیدگاه مشهور در تفسیر آیات ۸۷-۸۸ سوره انبیاء است که به شرح ذیل می‌باشد:

۴-۱. مخالفت با سیاق

یکی از اصلی‌ترین و ابتدائی‌ترین مشکلاتی که در دیدگاه‌های تفسیری ذیل آیه وجود دارد، عدم توجه مفسران و قرآن‌پژوهان به سیاق هماهنگ و معنادار و خدشه‌ناپذیر مجموعه آیات هم‌معنا با آیه ۸۷-۸۸ سوره انبیاء است. این سیاق که به صورت عمومی از آیه ۵۱-۹۰ و به صورت اختصاصی‌تر، از آیه ۹۰-۷۱ گسترده است، به مساله «لطف خداوند در خصوص تعدادی از انبیاء» پرداخته و در چندین مورد به صورت خاص از کلمه «نجیناه...» استفاده نموده است. پیامبرانی که هر کدام به نوعی گرفتار و یا در غم و رنجی بوده‌اند، به درگاه خدا تضرع نموده و خداوند آنان را از گرفتاری و غم و اندوه نجات داده است. آنجا که در آیات ۶۸-۷۱ در ارتباط با حضرت ابراهیم و حضرت لوط می‌فرماید: «قَالُوا حَرِّفُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (۶۸) قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ (۶۹) وَارْأَوْا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ (۷۰) وَنَجَّيْنَاهُ وَ لُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ (۷۱)» یا آنجا که در آیه ۷۶ در خصوص حضرت نوح می‌فرماید: «وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِنْ قَبْلٍ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (۷۶)» و هم چنین در آیات ۸۳ و ۸۴ در ارتباط با حضرت ایوب می‌فرماید: «وَإِيُوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۸۳) فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذَكَرَىٰ لِلْعَابِدِينَ (۸۴)» و همچنین در آیات «وَذَا النُّونِ إِذْ ذُهِبَ مُغَاصِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (۸۷) فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ (۸۸)» و در نهایت در آیات ۸۹ و ۹۰ در خصوص حضرت زکریا چنین می‌فرماید: «وَ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ (۸۹) فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَاصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ (۹۰)».

حال چرا مفسران سیاق به این زیبایی و هماهنگی را وانهادند و در ذکر این سلسله انبیاء، که همگی به نوعی دچار ابتلاء و آزمایش و نوعی گرفتاری شده‌اند، حضرت یونس را اهل ترک اولی و سوء ظن به خداوند متعال معرفی نموده‌اند؟ بررسی دقیق‌تر سیاق آیات مربوطه نشان می‌دهد چندین مورد تعبیر

«فاستجبنا» و «نجینا» در خصوص انبیاء شش‌گانه مذکور بکار رفته است. و در آیات مربوط به حضرت یونس تعابیر زیباتری از حمایت خداوند از بندگان خاصش مشهود است. چرا که تنها در خصوص ایشان فرموده است: «و كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» با توجه به نقش سیاق در فهم آیات قرآن کریم، سیاق آیات فوق به ما نشان می‌دهد نمی‌توان در این سلسله مباحث موجود در آیات، تنها حضرت یونس را از زمره انبیاء مذکور جدا دانسته و وی را اهل گناه و ترک اولی دانست؟ زیبایی این صیغه از فعل «ننجی» در آن است که خداوند ایشان و اذکار و سرنوشت حضرت را به عنوان سنت خود معرفی نموده و به بشریت اعلام می‌دارد که هر کس اینگونه باشد ما او را نجات می‌دهیم. در پرتو زیبایی کار یونس، خداوند بشریت را به نجات دعوت و تشویق می‌کند، مساله‌ای که برای دیگر انبیاء در همین سوره دیده نمی‌شود.

در اینکه چرا مفسران خصوصاً مفسران معاصر که اهمیت ویژه‌ای برای سیاق در فهم قرآن کریم قائلند؛ به سیاق این آیات توجه نداشته‌اند، نمی‌دانیم (نک: طباطبائی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۴: ۳۱۴-۳۱۵).

۴-۲. غفلت از وجوه معنایی واژه ظن و نقدر

آنچه که شاهد هستیم غفلت از وجوه معنایی «ظن» و «نقدر» و در مرتبه مهم‌تر غفلت از ترکیب معنایی این دو واژه است که یکی از دیگر ایرادات مهم و اثرگذار در بررسی برداشت‌های تفسیری از آیه است. آنگونه که بررسی شد، چنین می‌نماید مفسران تنها وجه معنایی واژه ظن را «گمان کردن» و «نقدر» را تنگ نگرفتن یا نتوانستن دانسته و هر کدام برای خود توجیهاتی ارائه داده‌اند. اکثر قریب به اتفاق این برداشت‌ها به ترک اولی و عجله کردن و ترک رسالت توسط حضرت یونس انجامیده و پیرو این برداشت معنایی و تفسیری، گرفتار شدن حضرت یونس در شکم ماهی نوعی تادیب الهی و نتیجه عملکرد این پیامبر دانسته شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷: ۹۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۴: ۳۱۴-۳۱۵).

واژه‌شناسان ظن را یک اصل معنایی و دارای دو وجه دانسته‌اند، یقین و شک (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۸: ۱۵۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۱ق: ج ۲: ۴۶۲) برخی نیز آن را حالتی میان شک و یقین دانسته که بر اساس نشانه‌های موجود یک طرف آن به سمت شک یا یقین تقویت می‌شود (عسگری، ۱۴۰۰ق: ۹۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۳۹). صاحب التحقیق آن را اعتقادی ضعیف و غیر الزام آور می‌داند که دلیل مستندی نداشته و به همین جهت پیروی از آن مذموم است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۷: ۱۸۰).

در بررسی گستره واژگانی ظن و مشتقات آن در قرآن کریم در مواردی در معنای یقین و اطمینان و دانستن بکار رفته است. کاربردهایی در آیاتی به شرح ذیل:

بقره: ۴۶ و ۲۴۹؛ قیامت: ۲۸؛ ص: ۲۴؛ یوسف: ۴۲؛ مطففین: ۴؛ جن: ۱۲؛ حاقه: ۲۰؛ حشر: ۲؛ اعراف: ۱۷۱؛ توبه: ۱۱۸؛ یونس: ۲۲؛ فصلت: ۴۸؛ همان‌گونه که در کاربرد قرآنی مشاهده می‌شود، به درستی می‌توان دیدگاه واژه‌شناسان و مفسرانی که واژه ظن را تنها به معنی گمان و شک معنا

نموده‌اند، قابل نقد دانسته و یکی از وجوه مهم معنایی و استعمال قرآنی این واژه در معنای یقین و اطمینان و دانستن معرفی نمود. حال چرا دیدگاه عمده مفسران و واژه‌شناسان در معناشناسی این واژه در آیه ۸۷ سوره انبیاء به شک و گمان انصراف داشته‌است؟ در خصوص اصل معنایی نقدر آنچه از بررسی واژگانی به دست می‌آید، العین یکی از معانی آن را توانائی و قدرت می‌داند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۵: ۱۱۳-۱۱۴). همچنان که بمعنی توانائی و قدرت و نیز تقدیر آمده‌است (ابن منظور، ۲۰۰۵م: ج ۵: ۷۴-۷۵). یکی دیگر از معانی آن تنگی رزق و روزی است و آن را در آیه ۸۷ انبیاء به همین معنی اخیر دانسته‌اند (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۳: ۴۴۷-۴۴۸). روایت معروف منقول از امام رضا (ع) در عیون اخبار الرضا (ع) همین معنی را ارده نموده که یونس نبی مطمئن بود خداوند رزق و روزی را بر او تنگ نمی‌گیرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱: ۱۹۱-۲۰۴). چرا که پیامبر الهی هیچ‌گاه فکر نمی‌کند که خداوند توانایی مقابله با او را ندارد و این از ویژگی‌های کفار است (ابن منظور، ۲۰۰۵م: ج ۵: ۷۷).

بدین صورت با بررسی معنایی این دو واژه و ترکیب معنایی آن، چهار حالت معنایی ذیل متصور است:

۱. گمان کرد که بر او تنگ نمی‌گیریم.
۲. شک کرد که بر او تنگ نمی‌گیریم.
۳. یقین کرد که بر او تنگ نمی‌گیریم.
۴. گمان کرد که نمی‌توانیم با او مقابله کنیم.

بحث

بررسی چهار شکل معنایی فوق نشان می‌دهد معنی اول و چهارم مردود بوده و چنین اعتقادی معادل کفر است و از ساحت انبیاء به دور. معنی دوم نیز با ساحت انبیاء که لبریز از ایمان به خداوند متعال هستند، سازگار نیست. هر چند همان‌گونه که از نظر گذشت، بسیاری از مفسران و قرآن‌پژوهان یکی از معنای اول و دوم را اختیار نموده و ابتلای یونس به دریا و کشتی و طوفان و نهنگ را به خاطر همین گمان و تردید دانسته‌اند. در حالی که این مطلب نیز با محتوای آیات مورد بحث همخوان نبوده و اتفاقاً آیه ۸۸ سوره انبیاء اوج ایمان یونس را می‌ستاید آنجا که می‌فرماید: «نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ». بررسی‌ها نشان می‌دهد در دستیابی به معنای صحیح آیات ۸۷-۸۸ سوره انبیاء، روایت امام رضا (ع) بهترین معنی را از آیه داشته و با استناد به اصل اساسی عصمت انبیاء، می‌توان چنین برداشتی از آن داشت که یونس نبی اطمینان و یقین داشت که خداوند متعال روزی را بر او تنگ نگرفته و رهایش نمی‌کند و به حال خود وا نمی‌گذارد.

۳-۴. عدم توجه به توالی پرده‌های داستان

قطعا بررسی و به دست آوردن سیر خطی و توالی پرده‌های داستان قصه یونس نبی پژوهشی مستقل و گسترده را می‌طلبد. اما آنچه که در بررسی و تحلیل قصه و برداشت‌های تفسیری از آن به دست می‌آید،

نشان از وجود نوعی آشفتگی و جابجائی در سیر خطی و توالی پرده‌های داستان دارد. همان‌گونه که گفته شد، این قصه در قرآن کریم بسیار مختصر مورد اشاره قرار گرفته و به مقتضای هدف هدایتی سوره‌ها و قرآن کریم، به تناسب مورد استناد واقع شده‌است. بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از عوامل بروز اختلاف نظر در قصه یونس نبی (ع) همین کم‌گوئی‌های قرآن کریم است. بر همین اساس یکی از ایرادهای اساسی در بررسی آرای تفسیری نیز، می‌تواند عدم توجه کافی به توالی پرده‌های داستان و سیر خطی قصه باشد. چه اینکه این اختلاف نظرها، گاه و بیگاه در برداشت‌های تفسیری از قصه یونس نبی (ع) نمود داشته‌است. به عنوان مثال در مواردی مانند حوزه رسالت، زمان مبعوث شدن، مکان گرفتار شدن به شکم نهنگ، نوع مواجهه او با قوم و

نتایج

بازپژوهی تفسیری عبارت قرآنی «وَدَا النُّونُ إِذْ ذَهَبَ مُغَاصِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ...» و بررسی دیدگاه مشهور در ارتباط با قصه یونس نبی در آیات ۸۷-۸۸ سوره انبیاء ضمن توجه به وجود کم‌گوئی‌های خاصی از پرده‌های قصه در قرآن کریم، نشان از وجود اشکالات جدی در برداشت‌های تفسیری مرتبط دارد. همچنان که هماهنگی خاصی میان دیدگاه مشهور و خوانش عهد قدیم از قصه نیز وجود دارد. دیدگاه مشهور، یونس نبی را پیامبری کم‌صبر و گاه کم‌توجه به فرامین الهی معرفی نموده و گرفتار شدن وی در شکم نهنگ را نیز تادیب الهی در پی ترک عجولانه قوم خود دانسته‌است. در حالی که در این بررسی متوجه چند ایراد اساسی در دیدگاه مشهور می‌شویم؛ مانند عدم توجه به قاعده اساسی عصمت انبیاء، مخالفت دیدگاه مشهور با سیاق موجود در آیات مرتبط در سوره انبیاء، غفلت از وجوه معنایی کلمات ظن و تقدیر، و همچنین عدم توجه کافی به توالی پرده‌های داستان در قرآن کریم. بررسی‌های پژوهش نشان از این دارد که در صورت ابتدای بر قاعده عصمت انبیاء، و تکیه بر قواعد اساسی تفسیری مانند سیاق و توجه به وجوه معنایی واژگان قرآنی، می‌توان دیدگاه مشهور در تفسیر آیات ۸۷-۸۸ سوره انبیاء را به نقد کشید. چنان که در روایت معروف امام رضا (ع) اشاره شده‌است، ضمن بیان این نکته که یونس نبی (ع) پیامبری معصوم بوده و ترک اولائی مرتکب نشده‌است، می‌توان وی را پیامبری دانست که در حال ابتلاء به ظلمات دریا و شکم نهنگ، اطمینان و یقین به حمایت و پشتیبانی الهی داشته و اینکه خداوند بر او تنگ نگرفته و وی را به حال خود رها نمی‌کند. خداوند متعال نیز این ایمان و اطمینان قابل تحسین او را ستوده و از ابتلاء و غم نجات داده‌است.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۳). چاپ چهل و پنجم. تهران: انتشارات اسوه.
- کتاب مقدس (۲۰۰۲م). ترجمه قدیم. چاپ سوم. بی‌جا: انتشارات ایلام.
- ابن بابویه، محمد بن علی صدوق (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا (ع). تحقیق: مهدی لاجوردی. چاپ اول. تهران: نشر جهان.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۱ق). معجم مقاییس اللغة. تصحیح عبدالسلام محمد هارون. چاپ اول. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۲۰۰۵م). لسان العرب. چاپ چهارم. بیروت: دار صادر.
- اکاتی، مرضیه، حیدری نسب، علیرضا (۱۳۹۳). بررسی شبهات پیرامون عصمت حضرت یونس (ع). اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی.
- امینی، سمیرا، خوش فر، محسن (۱۳۹۹). گناه منافی با عصمت انبیاء در داستان حضرت یونس از دیدگاه فریقین. ششمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۵). همگام با وحی. چاپ اول. قم: انتشارات تمهید.
- بیومی مهران، محمد (۱۴۰۸ق). دراسات تاریخیه من القرآن الکریم. بی‌جا. بیروت: دار النهضه العربیه.
- رازی، فخرالدین ابوعبدالله بن محمد (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. چاپ ششم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی الفاظ غریب القرآن، چاپ اول، دمشق: دارالعلم.
- سلامت باویل، لطیفه (۱۳۹۶). «تحلیل ساختار روایت داستان یونس پیامبر در قرآن بر اساس نظریات ژرار ژنت.» نشریه پژوهشنامه قرآن و حدیث. شماره ۲۰.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۴ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ پنجم. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق). دلائل الامامه. تحقیق: قسم الدارسات الاسلامیه موسسه البعثه. چاپ اول. قم: نشر بعثت.

طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین. چاپ سوم. تهران: کتابفروشی مرتضوی.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق). الغیبه (کتاب الغیبه للحجه). تصحیح عبداللّه تهرانی و علی احمد ناصح. چاپ اول. قم: دارالمعارف الاسلامیه.

عزیزی، سعید؛ راد، علی (۱۴۰۱). «رویکرد مفسران فریقین و شبهه قرآنی عصمت یونس ع؛ تحلیل، نقد انتخاب.» مجله پژوهش‌های تفسیر تطبیقی. دوره ۸ شماره ۱۵.

عسگری، ابوهلال حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغه. چاپ اول. بیروت: دار الآفاق الجدیده.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). التفسیر. چاپ اول. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.

فرات کوفی، ابوالقاسم، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات کوفی. تحقیق محمد کاظم محمودی. چاپ اول. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی. چاپ سوم. قم: دار الکتاب.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). الکافی. تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. بی‌جا. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کمالی زاده اردکانی، حسین، راد (۱۳۹۶). «شبهات درباره حضرت یونس در تفاسیر فریقین؛ پاسخ‌ها و رویکردها.» دوفصلنامه مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی. دوره ۲ شماره ۳.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بی‌جا. تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). أوائل المقالات. قم: کنگره شیخ مفید.